

نسل کشی در ایران

مقدمه

بحث را با این پرسش آغاز میکنیم که چرا و چگونه و بچه علت خشونت‌های بی حد و حصر نسل کشی در برهه‌هایی از تاریخ بشر روی داده است؟ در تاریخ گذشته بشر، متأسفانه مواردی از خشونت‌ها و کشتارهای گسترده وجود داشته که بعنوان جنایت علیه بشریت شناخته شده‌اند. علت رویداد این اتفاقات خانمانسوز در نگرش‌های گوناگون، از جمله در باورهای دینی، در سلاقی سیاسی، در برتری جویی قومی و نژادی و ... بوده است. اعتقادات اسلامی البته در این راستا مستثنی نبوده، اما مهم است که تفاوت میان اقوام، دین‌ها و فرهنگ‌ها را در نظر داشته باشیم و عموماً نباید یک دین یا یک گروه فکری را به طور کلی با نسل کشی مرتبط کنیم.

در مورد باورهای دینی، باید توجه داشت که اسلام به عنوان یک دین، اصول اخلاقی، عدالت، صلح و محبت به همگان را توصیه و ترویج می‌کند. اما با همین ادعا و اعتقاد اقشار یا گروه‌هایی بوده‌اند که دین را ابزاری برای تحقیر و اعمال خشونت و سلطه قدرت خود مورد سوء استفاده قرار داده‌اند. در تاریخ اسلام کم نبودند فتوحاتی که از خشونت، تعارض و جنگ‌ها بهره بردند و سلطه خود را برای کشور گشایی به کار بردند، خشونت‌هایی که به مراتب فراتر از حد تحمل انسانی بوده‌اند.

آنچه در این مطالعه حائز اهمیت است روی کار آمدن حکومت اسلامی در ایران با محوریت ولایت فقیه، مبتنی بر فقه ساخته شده فقها است، ولایت فقیه‌ی که با اختیارات مطلقه به نام اسلام حقوقی را بر پایه حدود فقهی تدوین کرده و خود را ولی و تام‌الاختیار جامعه انسانی می‌داند.

امروز جامعه بشری با نگرشی به نهادینه شدن حقوق و نفی خشونت از عرش والای انسانیت به پدیده «نسل کشی» یا «جنایت علیه بشریت» می‌نگرد و در صدد دست یافتن به این حقیقت پنهان است و به پاسخی برای این تناقض می‌اندیشد که چگونه از درون ایده‌ها و نظراتی که ابتدائاً اخلاقی است، روشی زور مدارانه سر برون می‌کشد و به آن لباس زور پوشانده می‌شود و حضور غیر خود را بر نمی‌تابد.

در مدرسه نیکوکاری، با معرفت از پشت پرده‌های دیوار فریب ولایت فقیه، ماجرای حذف مخالفین که به نوعی از نسل کشی حادث گردیده است می‌نگریم و سرنوشت تلخی را که این جنایتها رقم زده مرور می‌کنیم.

دریغا که دیر هنگام به صرافت این مسئولیت معنوی و انسانی، در وادی بلازده و حیات سوز ایران به «نسل کشی» در نیم قرن گذشته میپردازیم. امیدواریم در این سفر با دست نوشته‌ها و دلنوشته‌های شما عزیزان همراه باشیم و به نور حقیقت دست یابیم. از

شما دعوت می‌کنیم تا با ما، در مسیر طلوع نیروهای روشنی از اهل اندیشه، به آفاق گسترده‌ی این پدیده خانمان سوز همراه باشید. بیایید با هم نقش و نگار دیوانه وار این پرده سیاه را روشن و گویا کنیم و به تاریخ نگاری فرهنگ نیکوی انسانیت ادامه دهیم. شعله‌های پروانه وار عشق و اندیشه را بر گرد تفکر جنایتکارانه نسل کشی با ابزار احکام فقهی موجود بچرخانیم و با هم، این روند پدیده را بنگریم و آرمان‌های آسمانی فردا را به همت جمعیت متحد عقل و باور، ممکن بسازیم. با همدیگر، خواهیم نوشت تا تمامی اسرار قتل عامی که با مظروف فقه و احکام جنایتکارانه آن صورت گرفته، این «نسل کشی» را بازخوانی کرده تا نوید بخش پیروزی تلاشگران آزادی برای دستیابی به دنیای روشن فردا باشیم.

مسیر تاریخ در قرون گذشته، شاهد پدیده نسل کشی، برای کنترل منابع طبیعی در دنیای جدید در امریکای شمالی بوده است، قتل عام برای خوردن خارجیان غیر بومی مائوری‌ها را دیده است، نابودی نسلی را بخاطر قحطی سیب زمینی از گروه‌های جدایی طلب ارتش جمهوریخواه ایرلند دیده است، نسل کشی وحشیانه ارامنه در ترکیه را شاهد بود است، جنایت علیه قوم پیگمی، کشتار اقلیت قومی مسلمانان بوسنیایی و صرب را در کوشش برای پاکسازی قومی را مشاهده کرده است، نسل کشی نازی‌ها و حکومت توتالیتار هیتلری در آلمان نسبت به یهودیان و گروه‌های دیگر از اقوام، که شهره تاریخ شده را دیده است.

اسناد مختلفی در زمینه نسل کشی در آرشیو ملی ارمنستان و در بسیاری از کشور های متمدن جهان جمع آوری شده که اگر برای عدالت و دادخواهی در این واقعه تاریخی مورد بررسی و پژوهش قرار گیرند، یقیناً همه آنها برگ‌های برنده‌ای برای افشای این پدیده خستونترا خواهد بود. بنابر این بر خود وظیفه یافتم که بازتاب این واقعه تاریخی را به زبان فارسی از میان کتابها و اسناد و رسانه‌ها در حد توان و امکان، جمع آوری نموده و در مجموعه‌ای مستقل ارائه دهم. شایان یاد آوری است که بخش عمده‌ای از مطالب گرد آوری شده یافته‌هایی است که بر اساس منابع مختلف قابل دسترس جمع آوری شده که البته داوری آن، نیک در عهده خواننده گرامی خواهد بود.

جای بسی خرسندی است که بازتاب اندیشه متفکران، محققان، نویسندگان، مترجمان و قضات معروف جهان در تلاش‌های علمی و کار بردی در این زمینه وصف ناپذیرند که باید مورد مطالعه و قدر شناسی قرار گرفته و برای دادخواهی و محکوم کردن نسل کشی در ایران که قوم و ملت نمی‌شناسد روشنگر باشند. بسیاری از کشور های جهان در این زمینه تلاش‌های ارزشمندی را نموده اند که به زبان های زنده رایج جهان آثار آنها به طبع رسیده است.

تاریخ کهن ایران نیز جنایتها و قتل عامهای سنگینی را به چشم دیده است، قصد باز گو کردن تاریخ کهن ایران را نداریم، اما از آنجایی که موضوع این مطالعه قتل عام و نسل کشی در ایران است، جا دارد گوشه ای از این قتل عامهای ویرانگر و طاق انسانها، قتل عامها و کشتارهای قومی تعجب برانگیزی که تاریخ کهن ایران شاهد بوده را یاد آور شویم:

حمله مغول به ایران در جنگ جلالیه، (۶۱۲ تا ۶۱۵ میلادی): نخستین حمله مغول به ایران در آن دوره نبود، بلکه پیش از آن حمله و جنگهای زیادی بین مغولها و ایرانیان رخ داده بود و قتل عامهای بزرگی اتفاق افتاده بود. در طی جنگهای جلالیه بین ایرانیان و مغولها، تعداد زیادی از ایرانیان کشته شدند. منابع تاریخی به طور تقریبی این کشتار را تا ۱۰ میلیون نفر نقل کرده اند.

حمله مغولها به خراسان (۶۱۹-۶۲۱ میلادی): که توسط چنگیزخان مغول انجام شد، تعداد زیادی از اهالی این منطقه کشته یا به بردگی گرفته شدند. ذکر دقیق آمار کشته‌های این حمله دشوار است، اما تخمین‌ها چیزی حدود ۲۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر را ثبت کرده اند. این حمله مانند حمله هولانگو به خراسان در طول دوره‌های مختلف تاریخ تخریب‌ها و نابودی نسلهایی از انسانهای آن سر زمین را به همراه داشت.

حمله تیمورلنگ (تیمورخان)، به ایران (۱۳۸۵ تا ۱۴۰۵ میلادی) به وسیع‌ترین تجاوزات و جنایات در تاریخ معروف شد زیرا وسیع‌ترین اراضی این سر زمین تحت قیمومت تیمور قرار گرفت. در این حمله به ایران، تعداد کشته‌ها بسیار زیاد بود. به عنوان مثال، در جنگ آناطولی بین تیمورلنگ و سلاطین ایلخانی، حدود ۷۰ هزار تا ۱۲۰ هزار نفر کشته شدند.

حمله اعراب به ایران (۶۵۵ تا ۶۵۹ میلادی) که در دوره خلفای اولیه اسلامی برای تسخیر ایران رخ داد. این حمله در زمان نهمین خلیفه اموی، توسط ارتش اعراب تحت فرمان ابومسلم گنکی^۱ بود که به ایران حمله کرد، این حمله منجر به کشتارهای گسترده و مرگ و زخمی شدن بسیاری از ایرانیان شد و نهایتاً منجر به تسخیر ایران توسط اعراب شد.

در دوران معاصر، در زمان حاکمیت رضاخان، مردم خراسان در اعتراض به تصمیم شاه، در مسجد گوهرشاد مشهد اجتماع کرده بودند که به دستور قزاقان جنایتکار او به سوی جمعیت آتش گشودند در نتیجه این حمله وحشیانه دستکم هزار هشتصد (۱۸۰۰) نفر به قتل رسیدند.

^۱- ابومسلم گنکی (خراسانی) یک شخصیت تاریخی مهم در تاریخ اسلامی است. او در قرن هشتم میلادی در منطقه خراسان (که اکنون بخش‌هایی از ایران، ترکمنستان و افغانستان را شامل می‌شود) متولد شد. ابومسلم به عنوان یک مقام دینی و سیاسی معروف در دوران امویه شناخته می‌شود.

در ماجرای کشتار سیاسی سیاهکل در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۷ میلادی)، نیروهای امنیتی محمدرضا پهلوی با حمله به مسجدی که توسط مخالفان رژیم اشغال شده بود، تعداد زیادی از مخالفان را کشتند. کشتار بزرگ زاهدان در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ میلادی)، نیز، نیروهای امنیتی محمد رضا پهلوی در برابر تجمع کنندگان مخالف در شهر زاهدان در استان سیستان و بلوچستان عمل کردند و تعداد کثیری از مردم را به قتل رساندند.

با روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی کشتارهای بی سابقه و گسترده زندانیان سیاسی و همراه با جنگ ایران و عراق را داریم، این رژیم سرکوبگری ها را که بسا جنایتکارانه تر از رژیم شاه بود بنیان گذاشت و به کشتار رشیدترین فرزندان مردم ایران مبادرت نمود، دانشگاههای ایران را تحت عنوان انقلاب فرهنگی با سرکوب گسترده به تعطیلی کشاند و با جنگ خانمان سوزی که خود زمینه ساز آن بود و سالها بر ادامه آن اصرار می ورزید که در نتیجه آن نسلی از ایرانیان را به نابودی کشاند، یک میلیون کشته و بیش از ۳۶ هزار کودک دانش آموز^۲ در طرف ایرانی را به وادی مرگ سپرد، علاوه بر آن یک و نیم میلیون مجروح^۳ و معلول روی دست ملت گذاشت.

باید توجه داشته باشیم که تاریخ نگاران و منابع مختلف در مورد جزئیات این حوادث ناگوار و تاثیراتی که بر جامعه امروز ایران گذاشته کتابها نوشته اند.

جهان امروز، نسل کشی بدلیل داشتن یک مرام را تجربه نکرده بود. می دانیم در اسلام، نسل کشی محکوم و با اصول و احکام این دین تعارض دارد. اسلام بر تمام انسانها، بدون توجه به نژاد، ملیت، یا دینشان احترام می گذارد و زندگی و حریم شخصی آنها را

۲ - گزارش خبرنگار خبرگزاری بسیج سیزدهم آبان به مناسبت روز مبارزه با استکبار در جهان اسلام، ۱۳ آبان ۱۳۹۴.

یاد آور می شویم که از ابتدای جنگ با عراق در سال ۱۳۵۹ نوع دیگری از نسل کشی بصورت خاموش اما وحشتناک از سوی رژیم خمینی صورت گرفت. وقتی از ۳۱ شهریور سال ۵۹ جنگ رسماً شروع شد، افراد مشمول که در خدمت سربازی بودند متولدین سال ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ بودند، وقتی به آمار اعدام شدگان از سال ۶۰ به بعد نگاه می کنیم مشاهده می کنیم که خمینی نوجوانان هوادار سازمانهای سیاسی ۱۰ ساله به بالا را وحشیانه کشت که بخش عمده ی آن متولدین دهه ۴۰ بودند و تفاوت قربانیان با کشته شدگان جنگ فقط این بود که این بیگناهان در زندانها و خیابانها و میدان ها تیرباران شدند، دختران متولد دهه ۴۰ نیز به کام مرگ فرستاده شدند.

با جمع بندی آمار قربانیان جنگ ۸ ساله، کشتار دهه ۶۰ و سپس کشتارهای سال ۶۷، به علاوه جوانانی که در این یک دهه سیاه، یا خودکشی کردند یا بر اثر آوارگی و فرار تلف شدند یا روانه تیمارستان شدند یا معلول ی زمین گیر شدند. در چنین کشتارهای، آیا خمینی در دهه ۴۰ دست به نسل کشی نسل نژده است؟

۳ - تلفات و ضایعات جنگ ایران و عراق بر اساس اعلام دولت ایران: ۱۲۳،۲۲۰ تا ۱۳۶،۰۰۰ نفر کشته شده و ۶۰،۷۱۱ نفر مفقود الاثر شدند. آمارهای مستقل دولت عراق تعداد کشته شده ها را: از ۲۰۰،۰۰۰ تا ۶۰۰،۰۰۰ نفر و تا ۸۰۰،۰۰۰ نفر اعلام کرده اند، آمار مجروحین نیز در میدان های نبرد از ۳۲۰،۰۰۰ تا ۵۰۰،۰۰۰ نفر اعلان شده است، تعداد ۳۹،۴۱۷ نفر اسیر و خسارت مالی بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار تخمین زده اند.

محترم می‌داند. در قرآن، آیاتی وجود دارد که این اصل را تأیید می‌کند. علاوه بر این، به مبارزه با ظلم و استبداد و برقراری عدالت اجتماعی تأکید دارد. اصول اسلامی نسل‌کشی و هر گونه خشونت بی‌رحمانه علیه هر نژاد یا گروه اجتماعی را جایز نمی‌داند و به صراحت هر گونه قتل عام و انتقام‌جویی نسبت به یک قوم و نژاد را که منجر به نسل‌کشی و از بین بردن کرامت انسان‌ها باشد را باطل می‌داند.

قرآن درباره حقوق انسانی و احترام به زندگی و منزلت انسان‌ها بسیار صریح است و هیچ‌گونه تردیدی نسبت به محکومیت قتل و نسل‌کشی باقی نمی‌گذارد. در آیه ۳۲ از سوره مائده آمده است:

« مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا » (هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن است که همه مردم را کشته) این آیه از عذاب قتل عمد بی‌گناهان، به ویژه مسلمانان، بسیار سختگیرانه خبر می‌دهد و مجازات سنگینی را برای قاتلان بی‌رحم آن تعیین می‌کند.

موضوع مورد بحث ما، کشف یک معمای تاریخی است، معمایی که تا کنون پژوهش‌های فراوانی بر روی آن شده، اما هنوز در پرده ابهام باقی مانده است. معمای نابودی تام و تمام تفکری در برابر تفکر عقب‌افتاده و قرون وسطایی ولایت مطلقه فقیه، نابودی تفکری که با تفکر ولایی اینهمانی ندارد.

مگر نه این بود که پیام پیامبران، از ابراهیم تا محمد، رهبران معنوی از بودا و زرتشت تا فلاسفه و اسطوره‌های اخلاق و همه دلسوزان بشریت برای انسان صلح بود، صلح برای جلوگیری از جنگ و جنایت و رفع ظلم و ستم بر انسان و انسانیت، پیام آنها برقراری آرامش و آزادی برای انسان بود. این الگوهای تاریخی، هر کدام در میدان عمل، نماد حل مشکل و معضلات انسان‌های زمان خود بودند.

دو هزار و پانصد سال پیش در یونان باستان، سقراط در برابر جبارانی که پرستش خدایان را به ابزاری برای زور گوئی و حفظ حاکمیت خویش تبدیل کرده بودند، بپاخواست و به بینوایان رنج کشیده هشدار داد: برای پرستش این خدایان چون و چرا کنید! در برابر زورگویان بایستید و حق خود را مطالبه کنید! در برابر مدعیان قدرت و حکومت بایستید و سکوت نکنید.^۴

۴ - فردریک کاپلستون (Frederick Charles Copleston)، تاریخ فلسفه غرب، فلسفه آلمان، ۲۰۰۳، صص ۱۱۶ تا ۱۲۰

با این مقدمه یاد آورمی شویم که اعدامهای جنایتکارانه این رژیم که در ادامه جزئیاتی از آن را خواهیم دید همگی بر اساس «تئوری قدرت» ولایت مطلقه فقیه که هدفمند، سیستماتیک و به روشنی بیانگر حذف کردن هر تفکری که خلاف تفکر فقهای ولایت مطلقه بوده و هستند، آیا این اعدامها و کشتارهای آگاهانه، عامدانه و عقیدتی مصداق واقعی نسل کشی (Génocide) نیستند؟ و آیا هدف محوری این جنایات، نابودی اعتقاد دینی افراد دگراندیش در سیستم احکام ولایت مطلقه نمی باشد؟